

اخبار

داستان‌هایی برای نوجوانان

کتاب‌های «کوچه قهر و آشتی و غول جنگ» نوشته اکبر صحرایی، «فرشته‌ها» نوشته سیدهاشم حسینی و «قطار سریع‌السير در ایستگاه پیراشکی‌های خانگی» نوشته فروغ علی‌شاه‌رودی برای نوجوانان منتشر شدند.

به گزارش ایسنا، داستان نوجوان «کوچه قهر و آشتی و غول جنگ» نوشته اکبر صحرایی در ۱۷۶ صفحه با شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۹۹ هزار تومان در کتاب‌زیتون (وابسته به دفتر نشر فرهنگ اسلامی) منتشر شده است.

در نوشته پشت جلد کتاب آمده است: زن که انگار تحت تأثیر برخورد اسپیدجعفر قرار گرفته باشد، گفت: «چی بگم والله؟ شما اولاد پیغمبرید، صاحب‌اختیارید!»

سهراب نفس راحتی کشید و لیخنند داشت

روی لبش نقش می‌بست که صدای مردانه‌ای هُرّی دلش را خالی کرد.

برو کنار زن! کدام فلون‌فلون‌شده جرأت کرده

بچه من رو بزنه!

زن جا خورد و عقب رفت. مرد هیکل‌درشتی با سیبل کلفت و موهای فر ظاهر شد. توی سایه‌روشن نور لامپ، انگار مار خال‌کوبی‌شده روی گردنش، حرکت می‌کرد.

همچنین کتاب «فرشته‌ها» نوشته سیدهاشم حسینی در ۷۱ صفحه با شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۴۳ هزار تومان در نشر یادشده عرضه شده است.

در نوشتهٔ پشت جلد کتاب آمده‌است: یک‌باره نفشش برید و گریه کرد. تا‌به‌حال گریه پدر را ندیده بودم. فکر نکرده بودم چقدر دردناک و دل‌ه‌رو آور است. اشک توی چشمم می‌جو‌شید. حاکت مانده بودم و تکان نمی‌خوردم. قادر نبودم حرکت کنم. صدای گریه پدر می‌کوبم کرده بود. دوست داشتم بدمم و چلو پویا زانو بزنم. دست و پایش را ببوسم و التماس کنان از او بخواهم بلند شود و همراه پدر به دبیرستان برود. برود تا گریه پدر قطع شود.

سریع‌الستیر در ایستگاه پیراشکی‌های خانگی») نوشتهٔ فروغ علی‌شاه‌رودی با تصویرگری سمائه شریفی با طراحی گرافیک کوروش پارسانژاد است که ۵۶ صفحه با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و بهای ۹۹ هزار تومان در دسترس مخاطبان قرار گرفته‌است.

در نوشته پشت جلد کتاب عنوان شده است: داستان «قطار سریع‌الستیر در ایستگاه پیراشکی‌های خانگی»، روایت زندگی است که همچون قطار، مسیری دارد؛ مقصدی، واگن‌ها و ایستگاه‌هایی؛ و ما، انسان‌هایی هستیم در قطارهای زندگی‌مان، با آرزوها، رؤیاهای نگرش‌هایی متفاوت، هومن، پسر نوجوان داستان، از قطار زندگی‌اش می‌گوید که عادی می‌گذشت، ولی با مرگ ناگهانی پدرش، قطار زندگی او و خانواده‌اش، مانند قطاری سریع‌الستیر شتاب می‌گیرد؛ اما هومن خود را با شرایط پیش‌آمده سازگار می‌کند و آرزوها و رؤیاهایش انگیزه‌ای برای پیمیزی زندگی‌اش می‌شوند. وقتی قطار زندگی مسیر پر پیچ‌وخم و سختی را طی می‌کند، اگر همچون هومن، از پنجره قطار خوب نگاه کنیم، چیزی‌های بسیار جذاب و جالبی می‌بینیم؛ چیزهایی که زندگی‌مان را بهتر و زیباتر می‌کنند.

بازیگران «میرو» معرفی شدند

فیلم سینمایی «میرو» با انتشار چهار تصویر، از برخی بازیگران خود رونمایی کرد.

به گزارش ایسنا، این فیلم به کارگردانی حسین ریگی پس از حدود دو ماه فیلم‌برداری در شهرستان چابهار، در حال تدوین و گذران مراحل فنی است. «میرو» با حضور بازیگرانی چون سودابه بیضایی، امیربوزا دللوری، حمید ابراهیمی، آرزو تاج نیا، ابوالفضل همراه، مهدی دین محمدپور، ایوب افشار و جمعی از هنرمندان بومی استان سیستان و بلوچستان در تلاش است تا در موعده مقرر به بازبینی هیات انتخاب ۴چهل و دومین جشنواره بین المللی فیلم فجر برسد. این فیلم سومین اثر سینمایی ریگی از فیلمسازان بلوچ کشور پس از فیلم‌های «لیبار» و «هوک» است که در ژانر کودک و نوجوان تولید شده و در بستر قصه‌ای متعلق به دوران دفاع مقدس در ۶۶ روایت می‌شود.

گفتنی است بنیاد شهید و امور ایثارگران و بنیاد سینمایی فارابی سرمایه گذاران فیلم سینمایی «میرو» بوده و سعید الهی که مستند اخیرش «بقام دل» در جشنواره بین المللی سینما حقیقت موفق به کسب ۴ تندیس در بخش‌های کارگردانی و بهترین فیلم از نگاه تماشاگران شد، نیز تهیه کنندگی آن را بر عهده دارد.

واکنش کیوان ساکت به استفاده از موسیقی جمالک جمال هندی‌ها

این روزها در هر کجا که پا می‌گذاریم، از تاکسی گرفته تا باشگاه و عروسی و اینستاگرام این ترانه را می‌شنویم(اهای سیاه زنگی دلمو نکن خون، آی تو رفتی کجا منم چو مچنون، جمال جمالک جمال جمال قدو) اما چرا این موسیقی بعد از ۵۰ سال تا این اندازه معروف شد؟ هندی‌ها یک فیلم به نام حیوان(animal) ساختند. این فیلم به اثر جنایی است که اخیرا به یکی از پرفروش‌های سینمای هند هم تبدیل شده است، آهنگساز این ترانه استفاده شده در فیلم هم هارشاواردان است.

خبرآتلاین می نویسد: به سال ۱۳۵۶ بازگردیم، زمانی که یک گروه کر دبیرستانی این موزیک را خواندند و هارشاواردان هندی مجدد آن را تنظیم و ری‌مستر کرده است.

حالا خواننده اصلی کیست؟ ابراهیم شه‌دوستی، که سال ۱۳۴۶ گروه لیدا را تأسیس کرد و در سال ۱۳۵۲ همین آهنگ (جمال جمالک جمال) را برای یک نمایش ویژه‌ن بازی ساخت، آن نمایش اجرا نشد و به جای آن موسیقی را در تلویزیون پخش کردند.

نکته جالب‌تر ماجرا این است که در سال ۱۳۹۶ این موسیقی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم ثبت شد اما به علت نداشتن قانون کیبی رایت و مواجهه‌های مختلف با مسئله تحریم، هندی‌ها توانسته‌اند این موسیقی را به نام خودشان ثبت کنند. ابراهیم شه‌دوستی در حال حاضر ساکن بندر عباس است.

یک آهنگ دیگر هم این روزها در همه جا شنیده می‌شود(یه روزی تنگ غروب آسمون، میرم از شهر تو ای نامهربون…) اصل این موسیقی را ناصر ابراهیم‌نژاد با نام هنری کیوان که از خوانندگان پاپ ایرانی است، در دهه ۱۳۵۰ فعالیت می‌کرد، خوانده است و با ویدئو صادق بوقی، لیدر معروف تیم آلیز که در حال خواندن این موسیقی است دوباره در ذهن‌ها نقش بست. حالا نکته اصلی ماجرا این است که این اتفاق فقط برای این دو موسیقی رخ نداده مدت‌هاست که می‌بینیم موسیقی‌های قدیمی دوباره بازخوانی می‌شوند و نسل جوان سراغ آن می‌رود، برای پاسخ به چرایی این ماجرا سراغ کیوان ساکت…. رو‌قیمت و با او به‌گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

● موسیقی جمال جمالک جمالو که یک موسیقی ایرانی است در یک فیلم هندی به کار برده شده است، فارغ از این ماجرا ما بارها این تجربه را داشتیم که آهنگ قدیمی یک خواننده مثلا حبیب دوباره در فضای مجازی و بین نسل جوان دست به دست شده است، علت رخ دادن این ماجرا چه چیزی می‌تواند باشد؟

◀ در واقع از دو دریچه می‌توان به این نگاه کرد. در باره آهنگهایی که عنصری هنری ان‌ها غالب و بسیار برجسته است چیز دیگری‌ست و آن حقیقتی است که در هنری بودن آن آثار و با همسو بودن با مردم و جوان‌هادر بیان آرزوها و غم‌ها و دردهایشان نهفته شده است و یا ساخته هنری است که از دل برآمده و به همین دلیل هم بر دل می‌شیند، و با موسیقی های نماسبتی و سفارشی که ساخته شده باشد بسیار

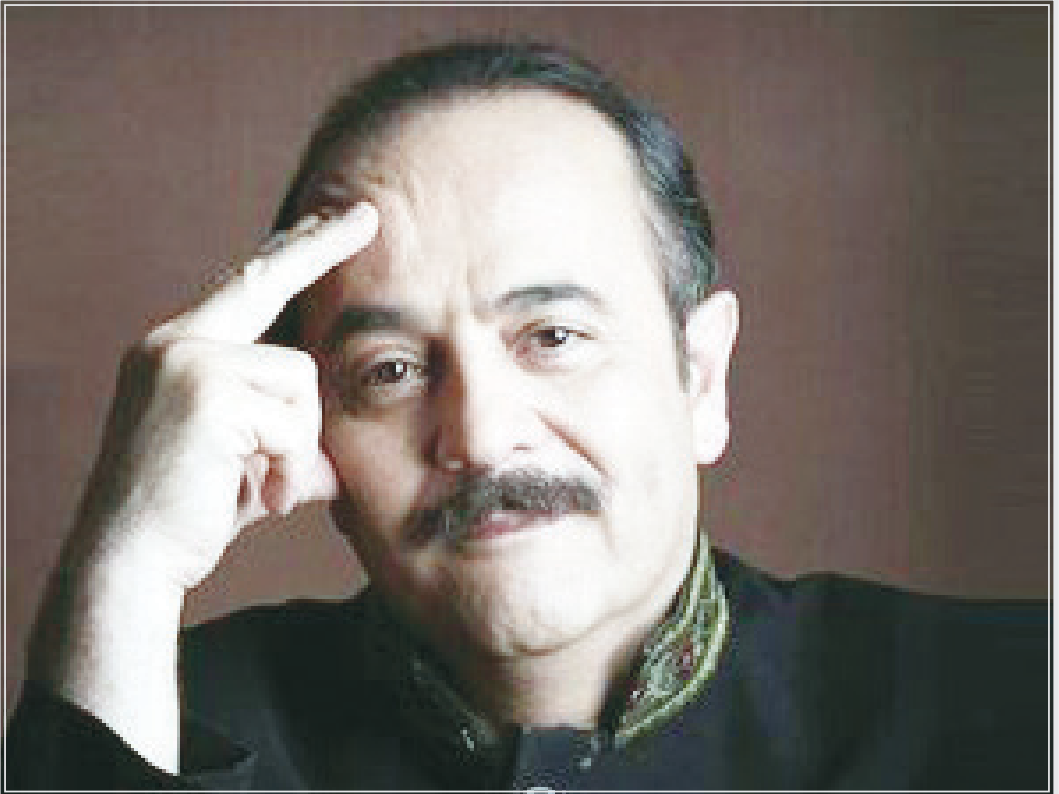
متفاوت است. بسیاری از آثاری که امروزه می‌شنویم صرفا برای اینکه کاری کرده باشند و کسب درآمد تولید می‌شود. و به نوعی می‌توانیم به آن‌ها اثر سفارشی بگوییم. این همه سμφونی برای خرمشهر و امام است و…ساخته شده است چند نفر آن‌ها را گوش می‌دهند؟

شرط می‌بینم خود مدیرانی که سفارش های کلان این کارها را می‌دهند خود بکیار هم نشنیده‌اند.

● چرا ما نمی‌توانیم آثاری که خودمان ساخته‌ایم را به جهان معرفی کنیم ولی یک فیلم هندی، موسیقی‌ای که ایران ساخته را در فیلمش استفاده می‌کند و بی‌نیاهت هم ای‌رپال می‌شود. چه نقطه ضعفی در مدیریت فرهنگی ما وجود دارد؟
◀ ما اصلا مدیریت فرهنگی نداریم، مدیریت فرهنگی امروز به معنای عدم صدور مجوز برای کنسرت‌ها و تداعی معانی که دارند و بسیار زیبا و خاطره‌انگیز هستند بازپخش می‌شوند که ارزش موسیقیایی خوبی دارند و در حافظه تاریخی مردم ماندگار شده‌اند، مثل ساخته‌های استاد خرم، استاد خالقی یا آثار استاد دیویدی و…

فرصت‌طلبی هندی‌ها برای یک ترانه ایرانی

کیوان ساکت معتقد است ما اصلا مدیریت فرهنگی نداریم و یکی از دلایلی که موسیقی‌های قدیمی در حال حاضر دست‌ پا دست می‌شوند این است که از دل برآمده‌اند.



کیوان ساکت درحال اجرای ترانه «اهای سیاه زنگی دلمو نکن خون» در برنامه «پس از غروب» شبکه‌ی نمایش خانگی

موسیقی را منتقل کنند. حتی برخی هنرمندان تراز اول یک حقوق ثابت بسیار بالا داشتند، اینجا به آن می‌گویند تک‌ریم هنرمندان هزینه‌ای که بسیاربسیار ناچیز است، چنین حمایتی هیچ‌گاه در ایران رخ نداده است و ما همیشه شرایط‌بد و غیر هنری برای معرفی موسیقیمان داشتیم و هیچ‌گاه حرمت و شان موسیقی ایرانی رعایت نشده است.

حالا یک کشوری می‌گوید یک اثری هست، بخشی از مردم آن کشور حتی از وجود آن اطلاع هم ندارند، چرا ما از این فرصت استفاده نکنیم؟ زمانی که ما خودمان از فرصت‌هایمان استفاده نکنیم، طبیعی است چنین اتفاقی رخ دهد.

● به همین دلیل هم موسیقی «به روزی تنگ غروب آسمان» تا این اندازه مورد استقبال قرار گرفته است؟
◀ آثار هنری و موسیقیایی که ساخته هنرمندانی که سالیان قبل تولید شده، مثل همین «به روزی تنگ غروب آسمان» که کسی به نام کیوان در ۱۳۵۱ در صداوسیما آن را خوانده است. حالا پخش این موسیقی‌ها دوسویه دارد؛ برخی بخاطر ارزش هنری و سبفه هنری و تداعی معانی که دارند و بسیار زیبا و خاطره‌انگیز هستند بازپخش می‌شوند که ارزش موسیقیایی خوبی دارند و در حافظه تاریخی مردم ماندگار شده‌اند، مثل ساخته‌های استاد خرم، استاد خالقی یا آثار استاد دیویدی و…

● جنبه دیگر این ماجرا هم یادآور روزگاری است که جامعه به گونه دیگری می‌اندیشیده و شاید شادی‌ها و روایط اجتماعی به گونه‌ای بوده که امروز اثری از آن روایط و شادی در جامعه نمی‌بینیم و این خرجش موسیقی به نوعی انتقاد یا نقد کردن یک واقعه اجتماعی است؛ به طور مثال موسیقی«به روزی تنگ غروب آسمان» بیش از اینکه ارزش هنری داشته باشد، بیشتر از منظر نقد اجتماعی باید آن را دید.

◀ در حقیقت امروز، کاربرد این موسیقی‌ها یک نوع اعتراض اجتماعی به ماجرای مسدود کردن صفحه شخصی اینستاگرام پیرمردی که بی‌دلیل صفحه شخصی اینستاگرامش را مسدود کردند، این در حالی است که افرادی که اختلاف‌های بسیار حیرت‌انگیز انجام می‌دهند، هیچ مشکلی برایشان پیش نمی‌آید. این آهنگ که امروز دست به دست می‌شود بخاطر ارزش موسیقیایی آن نیست، بلکه یک نماد اعتراضی است.

● می‌توانیم یک منظری از این ماجرا را مربوط به نبود موسیقی با کیفیت در نسل جدید بدانیم، که به نوعی نسل جوان هم یک اعتراضی نسبت به نبود موسیقی خوب انجام می‌دهد؟

◀ به نوعی بله، چون این پیرمرد هم از واژه‌هایی استفاده می‌کند که در همه زبان‌ها از آن استفاده شده است و به نظر این به ای‌رپال شدن این موسیقی بسیار کمک کرده است.

سایه این سیم‌رغ اتفاقات خوبی رخ دهد.

وی ادامه داد: متأسفانه موسیقی به حال خود رها شده است اما این هنر در دل و جان مردم جای دارد؛ زیرا مردم هرمزگان به هنر بسیار علاقه‌مندند. این سرزمین سال‌ها پایگاه اقتصادی جهان بوده است و از اینجا دریانوردان و بازرگانان بزرگ ما به اقصی‌نقاط جهان سفر می‌کردند و خاطرات بسیار جذابی از سفرهای این دریانوردان وجود دارد.

این پژوهشگر تصریح کرد: در هر یک از مناطق مختلف ایران یک ساز معروف است اما در استان هرمزگان سازهای متعددی مانند چیچک، عود، نی‌چفتی و سرناونازی رواج دارد که همه در اوج به سر می‌برند. موسیقی این منطقه برخاسته از زندگی مردم بوده و پشت هر نغمه موسیقی یک قصه وجود دارد که می‌توان به آن پی برد. وی ادامه داد: من از مسئولان این منطقه صمیمانه سپاس‌گزارم که در کنار بوهوهای اقتصادی نیم‌نگاهی هم به هنر داشتند و امیدوارم که نفوذ میان فرهنگی در میان کشورهای مختلف دارد بی‌بدیلی در این منطقه حضور دارند و امیدوارم که فضا به گونه‌ای شود تا مردم بتوانند به این هنرمندان مراجعه کنند.

رضایی با ایزاز امیدواری از اینکه این جشنواره می‌تواند پیام‌رسان اسانید این منطقه به سایر نقاط ایران و جهان باشد افزود: پیشنهاد می‌کنم برای پاس‌داشت موسیقی این منطقه از سوی پژوهشگران پژوهش‌هایی صورت بگیرد تا آثار موسیقیانی آن ضبط و حفظ و به سراسر جهان معرفی شود. منطقه آزاد قشم باید برای پژوهشگران فرصت مطالعاتی به وجود بیارد تا موسیقی قشم ثبت و حفظ شود تا با معرفی اسانید و سازهای آنها دینی که بر گردن داریم را اندکی ادا کرده باشیم.

در ادامه این مراسم از پوستر اولین جشنواره ملی عودنازی قشم و سایت جشنواره رونمایی شد.

رئیس کمیته ملی جشنواره موسیقی ایران با مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هرمزگان

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هرمزگان با رئیس کمیته ملی جشنواره موسیقی ایران

فرهنگ و هنر

اخبار

جدیدترین وضعیت کیانوش عیاری در بیمارستان

کیانوش عیاری همچنان در آی‌سو بستری است اما حال عمومی‌اش رو به بهبود رفته است.

شبتم عرفی‌نژاد - برنامه‌ریز کیانوش عیاری در فیلم «ویلیا ساحلی» - درباره آخرین وضعیت این فیلمساز در بیمارستان به ایسنا گفت: آقای عیاری هنوز در بخش مراقبت‌های ویژه بستری هستند و با توجه به اینکه حالشان بهتر شده، احتمالا تا چند روز آینده به بخش منتقل می‌شوند.

او همچنین گفت که تشنج‌های عیاری که سبب بستری شدن او در بیمارستان شد، قطع شده است و الان شرایط بهتری دارد.

عیاری که این روزها فیلم «ویلیا ساحلی» را روی پرده سینماها در حال اکران دارد، سال گذشته در حین ساخت این فیلم هم یک بار دچار بیماری شد

و پس از وقفه‌ای فیلم‌برداری را از سرگرفت. او مدتی قبل و هم‌زمان با تشییع پیکر اردیوش مهرجویی دچار یک سکته خفیف مغزی شده بود. کیانوش عیاری که سریال (۸۷ متر) و هنوز مجوز پخش از تلویزیون نگرفته است، در کارنامه کاری خود ساخت فیلم‌های سینمایی «تازهنفس‌ها»، «تنوره دیو»، «شیخ کزدم»، «آن‌سوی آتش»، «روز باشکوه»، «دو نیمه سبب»، «آبادانی‌ها»، «بودن یا نبودن»، «بیدار شو آرزو»، «خانه پدری»، «کاناپه» را داشته است.

کیانوش عیاری در بیمارستان آی‌سو بستری است

کیانوش عیاری در بیمارستان آی‌سو بستری است

نویسنده‌ای که نمی‌شد قلمش را خرید

۱۶ سال پیش در چنین لحظاتی جمعی از هنرمندان کشورمان در بیمارستان پارس گرد هم آمده بودند. آنان با حسرت و اندوه به گبله مدری می‌اندیشیدند که در یکی از اتاق‌های همین بیمارستان چشمانش را بر «صحنه آبی» زندگی بسته بود.

به گزارش ایسنا، اکبر رادی، نویسنده‌ای که جز نماینده‌نموش، در واپسین سال‌های زندگی‌اش دچار فرشته شدن با این همه جامعه‌تئاری که آن روزها این چنین با غفیرت مرگ مواجه نشده بود، امید داشت تا با انژی و علاقه خود به این نمایشنامه‌نویس، او را در صحنه زندگی حفظ کند. ولی فرشته مرگ نشان داد از ما قوی‌تر است. اکبر رادی با همه بزرگی‌اش در عرصه‌نمایشنامه‌نویسی، بی‌حاشیه بود و به دور از جنجال و هیاهو قلم می‌زد. در اتاق کار خود در خانه‌اش که در نزدیکی بولوار کشاورز بود، خلوتی برای خویش فراهم آورده بود تا بنویسد، آدم‌های خلق کند از جنس همین آدم‌ها، از بی‌عدالتی و ظلم بگوید و نوشته‌هایش، صدای طبقه فرودستی باشد که دستش به جایی بند نیست و در معادلات پیچیده اجتماعی، جایی ندارد. رادی عزت نفسی غریب داشت که سبب می‌شد هیچ کس به خود اجازه ندهد تا احیاناً

قلمش را در نفع خویش بلغزاند. مودب بود و بسیار محترم با این همه زایش تند و نیز بود و اگر پای انتقاد و دادخواهی به میان می‌آمد، به هیچ عنوان اهل ملاحظه و سازش‌کاری نبود بلکه بی‌محابا می‌تاخت. در هیچ دوره‌ای از نرذبان هیچ جزبی بالا نرفت و اجازه نداد تا نامش در سایه‌ه کسانی باشد که گاه برای تامین منافع فردی، رادی بود و این چنین است که جای او نه تنها در حوزه‌درام‌نویسی بلکه به عنوان هنرمندی وارسته و آزاده، انکار ناپذیر است. او به همان اندازه که از گرایش‌های سیاسی پرهیز می‌کرد، به همان میزان هم اهل شعر و جاز و جنجال نبود و هرچه بود و هر اندیشه‌ای که داشت، در دل نمایشنامه‌هایش جاری می‌کرد و همه اینها بود که اکبر رادی را اکبر رادی کرد. به هر روی، صبح پنجم دی ماه سال ۱۳۸۶، از ای ثنات ایران، روز غربی بود؛ روزی که شادی زادروز بهرام بیضایی با آندوه درگذشت اکبر رادی همراه شد تا صورتک‌های خنده و گریه نثاتر، معنایی ژرف‌ت پیدا کند. هرچند جای تاسف است که به شهادت هنرمندان تئاترمان، بخشی از نسل جوان این رشته، کمتر اکران رادی را می‌شناسد اما به گفته علیرضا نادری، هرگز گمان میر که نویسنده می‌میرد! اکبر رادی با نگارش نمایشنامه‌هایی همانند «روزنه آبی»، «همیاران»، «در ره بخوان»، «آمیز قلمدون»، «افول»، «ارثیه ایرانی»، «باغ شب‌نمای ماه»، «هاملت با سالاد فصل»، «از پشت شیشه‌ها»، «منچی در صبح نمناک»، «لیندن باشکوه باغ»، «همیاران»، «در ره بخوان»، «آقای گیل»، «آهسته با گل سرخ»، «مولودی شهر باتنی»، «شب روی سنگفرش خیس»، «آهنگ‌های شکلاتی»، «شب بخیر جناب کنت»، «خاننده مهمانی»، «پایین، زیر گذر سخاخانه»، «کاکتوس»، «مرگ در پاییز» میراثی گرانستگ از خود بر جای گذاشته که گذر زمان هم گرد فراموشی بر آن نمی‌نشاند.

رئیس سیمافیلم به نقدها پاسخ داد

به اندازه پلتفرم‌ها سریال باکیفیت داریم

محتوای خوبی ارائه کند و انتظاران هم این است که تولید کنندگان آثار باکیفیت بدهند.

وی اضافه کرد: با این حال به اندازه‌ای که وی او دی‌ها تولیدات باکیفیت در سال دارند تلویزیون هم به همان اندازه سریال‌های باکیفیت دارد. من آماری دارم که سریالی در پلتفرم‌ها یک درصد یا نیم درصد دیده شده است پس آنها هم تولیدات خوب و بد دارند اما روی خوب‌ها مانور می‌دهند مثلاً «زخم کاری» فکر می‌کنم بیست درصد دیده شده بود و بیشتر درباره اینها تبلیغ می‌شود.

نقویان در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره دست‌مزدها در شبکه نمایش خانگی بیان کرد: اگر ما در تلویزیون با هزینه بالا کار خوب بسازیم از طریق پیام بازرگانی هزینه اش درمی آید. وی او دی‌ها نوعی افسارگسیختگی در پرداخت‌ها دارند که برای خودشان هم به وجود بیارد تا موسیقی قشم ثبت و حفظ شود قبل هزینه‌ها تغییر نداشت و حتی متوقف بود چون خودشان هم به این نتیجه رسیده اند که هزینه‌ها بیش از حد بالا بوده است.

خیلی از بزرگانی که به پلتفرم‌ها رفته اند به پیشنهاد تلویزیون دست رد نزده اند
رئیس سیمافیلم درباره همکاری با چهره‌ها در تلویزیون بیان کرد: خیلی از بزرگانی که به پلتفرم‌ها رفته اند در مقابل پیشنهاد تلویزیون دست رد نزده‌اند و همچنان این مخاطب عظیم برایشان جذاب است. عموم هنرمندان با ما کار می‌کنند و مائعی هم برایشان وجود ندارد و ما با آنها تعامل داریم. منتها سریال سازی چیزی نیست که ۲ هفته بعد نتیجه اش را ببینیم و گاهی در گذر زمان

سی استان ما هم‌زمان سریال تولید کنند. البته خیلی هم نباید آرمان گرایانه نگاه کرد اما دیدال این هستیم که سریال‌های موفق مثل «پایتخت» و «نون‌خ» باز هم داشته باشیم و این مدل با دیگر شهرها مثل یزد و لهجه شیرین یزدی ادامه دیدا کند.

یک سوم سریال‌های اقتباسی هستند

وی درباره رویکرد سیمافیلم نسبت به کار اقتباسی نیز گفت: از ۱۸ سریالی که داریم حدود ۶ اثر اقتباس هستند. فقط نباید اقتباس را از کتاب ببینیم بلکه از یک واقعه‌ای یا رو ۶۰ه هم می‌توان اقتباس گرفت. در آمار یک دهه گذشته نود درصد سریال‌ها ملودرام‌های اجتماعی و تک به بالا بوده است چون تولید سریعی دارد و استراتژی خاصی نمی‌خواهد. اما ما حدود ۶ اقتباس از کتاب داریم و اگر اقتباس از واقعه هم باشد به ۱۰ اثر هم می‌رسد.

سریالی در پلتفرم‌ها با نیم درصد بینند

نقویان در پاسخ به مقابله پلتفرم‌ها با آثار تلویزیونی نیز توضیح داد: کل آثار پلتفرم‌ها را روی هم بگذارید در سال به اندازه تلویزیون تولید ندارند که در یک سال باید ۳۵ سریال پخش کند. ما باید در تلویزیون سریال باکیفیت بسازیم، در یک سالی که در سیمافیلم بوده ام هدف این بود که عدد را به یک کمیت قابل قبول برسانیم که آتن خالی نشود و گام بعدی کیفی سازی است. با هدف این بود که برخی چالش‌های تهیه کنندگی را حل کنیم مثلاً وقتی دقیقه‌ای بودجه می‌دهیم تهیه کننده باید خود را موظف کند کار را به دقیقه مشخصی برساند اما اگر قسمتی پول بدهیم ممکن است در یک قسمت با دقیقه کمتر سریال



خود را نشان می‌دهد. نقویان از تولید آثاری در حوزه تاریخ معاصر با نام‌های «مقامات انقلاب»، «خانه مسعود» و «سریاز کوچک امام» خبر داد.

وی اضافه کرد: اولین چیزی که «سرزمین مادری» را برپیننده کرده همین تاریخ معاصر است که ذاتاً برای مخاطب جذاب است اما برای این تولیدات باید صبر کرد تا به خروجی برسند.